

در دفاع از انقلاب!

حسن صالحی

۹ فوریه ۲۰۲۲
مندرچ در انترناسیونال ۹۵۹

ای کاش همه ستمگران حاکم با زبان خوش دست از سر مردم بر می داشتند و از قدرت کناره می گرفتند. ولی می دانیم که چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد. در نتیجه تنها راهی که برای مردم کارگر و زحمتکش و ستمدیده باقی می ماند همان انقلاب است. انقلاب برای مردم تنها راه خلاص شدن از همه مصائبی است که حکومت‌های مدافع نظام سرمایه داری برایشان آفریده اند. انقلاب تنها راه برای رهایی از دست حاکمینی است که بودنشان هر روز باعث رنج و درد مردم و تلف شدن زندگی و هستی انسان‌های بیشمار است. انقلاب از طریق در هم کوبیدن قدرت فائقه ستمگر و در هم پیچیدن بساط زور و زر حاکمان رهایی مردم را میسر می کند و اداره امور جامعه به دست خود

مردم را ممکن می سازد.

از همینجا روشن است که چه کسانی بیش از هر کس دیگری با انقلاب مردم مخالفند: اولین دشمنان انقلاب همان کسانی هستند که با توسل به زور و خشونت و استفاده از دستگاه سرکوب بر مسند قدرت نشسته اند و مردم را تحت ستم و استثمار قرار می دهند. اینها با چنگ و دندان و تا نفس آخر در مقابل انقلاب مردم می ایستند تا روزی که نیروی انقلاب آنها را از قدرت ساقط کند. جمهوری اسلامی از همان روز اول حیاتش در ضدیت با انقلاب ۵۷ شکل گرفت و حالا هم در مقابل انقلاب مردم سنگربندی کرده است تا بساط ستم و چپاولش را حفاظت کند. اینها به مردم انقلابی می

گویند "اراذل و اوباش" و یا "خس و خاشاک" و با گلوله قلب و مغز مردم معترض را نشانه می گیرند تا از این طریق به حیات ننگین شان ادامه دهند.

گروه دیگری که با انقلاب دشمنی می ورزند همان کسانی هستند که با انقلاب ۵۷ به زیر کشیده شدند. سلطنت طلبان از این زمره هستند. چون انقلاب به تخت و تاج شاهی آنها پایان داد چنان از انقلاب بیزارند که به هر چیزی چنگ می اندازند تا انقلابی را که به سرنگونی آنها منجر شد تخطئه کنند. این جماعت البته ذاتا دشمن انقلاب هستند بطوری که وقتی در سال ۱۳۵۷ انقلاب شد از ترس گسترش و رادیکال شدن انقلاب حتی با خمینی ساخت و

پاخت کردند و مقدمات انتقال بی دردسر قدرت از بالا را فراهم آوردند تا انقلاب را بخوابانند. اما آنقدر بی چشم و رو هستند که تقصیر روی کار آمدن رژیم اسلامی را به گردن چپها می اندازند که انقلاب علیه رژیم سلطنتی را حق مردم می دانستند و از انقلاب ۵۷ دفاع می کردند. البته این فقط بهانه است، چرا که این جماعت اصولاً ضد کمونیست هستند و همیشه دنبال عذر و بهانه ای می گردند که دشمنی شان با کمونیستها را نشان دهند.

جریان دیگری که مخالف انقلاب است گروهی در حاشیه حکومت است که مردم را از انقلاب می ترساند. یعنی تمام تلاششان این است که مردم از انقلاب کردن پرهیز کنند. این جماعت

برای ترساندن ما از انقلاب مثلاً می گویند که اگر ما انقلاب کنیم "ایران مثل سوریه می شود" یعنی جنگ داخلی در می گیرد و امنیت از بین می رود و مردم به جان هم می افتند و اتفاقاتی از این قبیل. این گفتمانی است که خود حکومت و دوم خردادی ها دامن می زنند تا همین نظام مصیبت بار باقی بماند و جمهوری اسلامی به عمر منحوس اش ادامه دهد. در انقلاب علیه نظام جنایتبار اسلامی نه مردم به جان هم می افتند و نه امنیت از مردم سلب می شود. اتفاقاً برعکس، مردم همبسته تر می شوند تا رژیم را که امنیت و آسایش و حق حیات را از شهروندان سلب کرده است به زیر بکشند. امنیتی که این جماعت از آن حرف می زنند امنیت اقلیتی انگل و مفتخور است. در واقع

از امنیت خودشان حرف می زنند که به قیمت خانه خرابی و کشتار مردم تامین شده است. انقلاب به نفع امنیت مردم، به امنیت همین زالوصفتان پایان می دهد.

گروه دیگری هم هستند که تحت عنوان "انقلاب خشونت است" با آن مخالفت می ورزند این گروه نیز با خشونت نامیدن انقلاب و التزام به مبارزه تماما مسالمت آمیز و در ضدیت با قیام و تعرض انقلابی به حکومت، آب در آسیاب جمهوری اسلامی می ریزد. عامل اصلی خشونت در جامعه بی برو برگرد خود جمهوری اسلامی است و انقلاب قطعی ترین روش پایان دادن به خشونت حکومت اسلامی در ایران است.

در میان کسانی که با انقلاب مخالف هستند افرادی هم پیدامی شوند که البته جرأت مخالفت علنی با انقلاب را ندارند ولی وقتی که می بینند دشمنان قسم خورده انقلاب به انقلاب حمله می کنند بر این موج ضد انقلابی سوار می شوند و به بهانه زدن چپها و کمونیستها از ما میخواهند که از مردم عذرخواهی کنیم که چرا در سال ۵۷ انقلاب کردیم!!! خانم مسیح علینژاد از این تیپ آدمهاست. ایشان ناگهان دچار فراموشی می شود که خودشان سالها با جناح اصلاح طلب حکومتی همراهی می کرده و با این کار خود به عمر ننگین این رژیم می افزوده است در حالی که بسیاری از کمونیستها از همان روز اول در مقابل جمهوری اسلامی ایستادند. به علاوه معلوم نیست که چرا آن زنانی که درست

چند هفته بعد از انقلاب ۵۷ به برقراری حجاب اجباری شدیداً اعتراض کردند حالا باید بیایند و از امثال ایشان عذرخواهی کنند؟! یا اینکه کارگران و مردمی که پس از انقلاب برای تحقق خواسته‌هایشان جانانه مبارزه کردند چرا حالا باید از ایشان معذرت بخواهند!؟

خانم علینژاد بخاطر مبارزه با حجاب مطرح شده است اما امروز علیه پیشکسوتان همین مبارزه، که در اسفند ۵۷ اولین و بزرگترین تظاهرات علیه حجاب را سازمان دادند، به میدان آمده است. ایشان از نسلی انتظار معذرت خواهی دارد که از اسفند ۵۷ تا امروز در دفاع از حقوق زنان و علیه جمهوری اسلامی، از جمله در همان سالهای میداننداری دو خردادی‌ها و همراهی

امثال مسیح علی نژاد با استحاله چی های حکومتی، در میدان است. فعالین و رهبران جنبش گسترده بازنشستگان همان جوانان انقلاب ۵۷ هستند که فریاد اعتراضشان علیه جمهوری اسلامی هرگز خاموش نشده است. خانم علینژاد، این شما هستید که یک معذرت خواهی بزرگ به همه نسلهای مردم ایران از پیر و جوان بدهکار هستید.

مسیح علینژاد متاسفانه پشت همان استدلالاتی سنگر می گیرد که راستهای دو آتشه علیه انقلاب سرهم کرده اند. فقط تفاوت اینجاست که سلطنت طلب ها از قدرت و ثروت افتاده اند و طبیعی است که با انقلاب دشمنی داشته باشند ولی خانم علینژاد چرا؟ ایشان می گوید

”نه راست است و نه چپ.“ به عقیده من وی واقعا اینطور فکر می کند. اما مشکل مسیح علینژاد این است که وی علیرغم کمپین های خوبی که علیه جمهوری اسلامی داشته است در عرصه سیاست، راست روی می کند. ایشان به انقلاب نظر ندارد چرا که می داند رونق فعلی گفتمان انقلاب ما حاصل پیشروی چپ در جامعه و رنگ باختن روشهای غیر انقلابی نظیر ”رژیم چنج“ و ”رفراندوم“ و غیره است. اعتبار اجتماعی مسیح علینژاد محصول قاطعیت او علیه جمهوری اسلامی در کمپین های نظیر مخالفت با حجاب اجباری است. البته ایشان مختار است که راست یا چپ و یا وسط را انتخاب کند ولی باید بداند که دشمنی با کمونیستها و مخالفت با انقلاب در فضای سرنگونی طلبی و

انقلابی ای که گفتمانهای چپ در وسط صحنه جامعه است، برنده نخواهد داشت. و خیلی زود باعث ریزش اعتبار اجتماعی ایشان و حتی انزوا خواهد شد.

می بینیم که دشمنی با انقلاب طیف های متنوعی را شامل می شود. برخی با استدلالات به ظاهر جامعه شناسانه و در واقع بی پایه سعی دارند مردم را از انقلاب کردن منصرف نمایند. اما این توجیهات و استدلالات نمی تواند جلوی انقلاب را بگیرد. انقلاب از اینجا نشات می گیرد که پایینی ها دیگر نمی خواهند وضع موجود را تحمل کنند و بالایی ها هم اقتدار سابق شان در هم شکسته است و دیگر نمی توانند مثل سابق بر مردم حکومت کنند.

در حقیقت، همه کسانی که امروز با انقلاب مخالفت می‌ورزند پیش‌لرزه‌های یک انقلاب قریب‌الوقوع عظیم را حس کرده‌اند. آنها می‌دانند که چنین انقلابی برای زدودن کثافات و جنایات بیشمار در راه است و می‌دانند که این انقلاب به اعتبار جنبش‌ها و اعتصابات و اعتراضات هر روزه کارگران و معلمان و بازنشستگان و زنان و دانشجویان و دیگر بخش‌های طبقه کارگر و طرح خواسته‌ها و شعارهای کارگری و چپ و رادیکال و بویژه با وجود حزب کمونیست کارگری، با انقلاب ۵۷ اساساً متفاوت خواهد بود. حالا هم هم‌صدا شده‌اند تا جلوی انقلابی را بگیرند که به احتمال قوی به قدرت‌گیری چپ‌ها می‌انجامد. هراس از رادیکالیسم و گسترش یافتن

نفوذ چپ، فصل مشترک همه نیروهای مخالف انقلاب است.

اما در صف مقابل، کمونیستهای متشکل در حزب کمونیست کارگری به اتفاق همه نیروهای مترقی و پیشرو و میلیونها انسانی که پرچم یک زندگی شایسته را برافراشته اند مصمم هستند که انقلاب آتی را به پیروزی قطعی برسانند. ما مصمم هستیم که خواستهها و اهداف انسانی این انقلاب را متحقق کنیم و بر ویرانه های جمهوری اسلامی یک جامعه انسانی و مرفه و سعادت مند و در خدمت همه شهروندان بنا سازیم.

۹ فوریه ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام